



بیانات در دیدار هیئت علمی و دست‌اندرکاران برگزاری همایش ملی فقه هنر (1) - 23 دی/ 1394

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً مزده‌ی بزرگی داده شد که حوزه‌ی علمی‌ه وارد مقوله‌ی مربوط به هنر از منظر شناخت فقهی شده است. روشن است که از حوزه‌ی علمی‌ه انتظار نیست که سینماگر یا شاعر یا نقاش یا مجسمه‌ساز یا معمار تربیت بکند - همان‌طور که آقای ژرفا در ضمن بیاناتشان اشاره کردند - اما انتظار هست که مبانی اسلامی را در باب موضوع هنر که عرض خواهیم کرد چقدر اهمیّت دارد بیان بکند؛ اول کشف کند و تحقیق کند و عمق‌یابی کند، بعد هم آن را تبیین کند برای مردم و برای جامعه. شما این کار را شروع کرده‌اید؛ این کار خیلی مبارکی است و من واقعاً، عمیقاً و صمیمانه از همه‌ی شماها که به این فکر افتاده‌اید و این کار را کرده‌اید و بحمدالله فضلی خوب و برجسته‌ای هم وارد این کار شده‌اند، تشکر میکنم.

کار را نیمه‌کاره نگذارید، متوقف نگذارید؛ و به معنای حقیقی کلمه - همچنان‌که ما در فقه معاملات، کار میکنیم، در فقه عبادات کار میکنیم، اخیراً مثلاً در فقه ارتباطات یا در فقه اقتصاد یا مثلاً فرض کنید که در فقه مسائل گوناگون اجتماعی کار میکنیم - در فقه هنر هم واقعاً کار کنیم؛ یعنی حقیقتاً ملای ما بتواند در زمینه‌ی هنر، هم در زمینه‌ی اصل موضوع هنر به معنای کلی قضیه، هم شاخه‌های متنوع و متعدد هنر، نظر صریح و روشن بدهد. هیچ مانعی هم ندارد که اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ کمااینکه در همه‌ی ابواب فقهی هم اختلاف نظر بین فقها وجود دارد؛ یکی یک چیزی میگوید، یکی یک چیز دیگری میگوید؛ اما برآیند همه‌ی این اختلافها پیشرفت است. فقه امروز با فقه زمان شیخ طوسی یکسان نیست؛ بالاینکه این همه اختلاف در نظرات وجود داشته اما این فقه پیشرفت کرده؛ فقه‌ی تر، عمیق‌تر، دقیق‌تر، جزئی‌تر نگرتر در مسائل وارد شده؛ در این زمینه هم همین‌جور خواهد شد. اما مسئله‌ی هنر، خیلی مسئله‌ی مهمی است. هنر جزو زندگی انسان است؛ در ذات خود، هنر یکی از لوازم وجود انسان است مثل خیلی از چیزهای دیگر. همه‌ی شعبه‌های هنر همین‌جور است؛ آدم‌های مختلفند و الا این وجه مشترک در همه‌ی هنرها وجود دارد که زاینده‌ی ذوق و تخیل است؛ تخیل قوی و ذوق وافی، هنر را به وجود می‌آورد. البته مهارتها، تجربه‌ها، کارشناسی‌ها، همه‌ی اینها در کنارش وجود دارد، اما مایه‌ی اصلی عبارت است از ذوق؛ لذا شما همین‌طور که ملاحظه میکنید در بین فقهای ما در حوزه‌های علمی‌ه بااینکه بحث هنر به معنای هنر هیچ مطرح نبوده، هنرمندان بزرگی در خود حوزه حضور پیدا کرده‌اند؛ ایشان (2) می‌فرمایند به تفتن، بعضی به تفتن، بعضی‌ها هم واقعاً حرفه‌ای؛ مثلاً سیدمحمدسعید حبّوبی شاعر حرفه‌ای است و یک شاعر برجسته‌ی عرب است. فرض بفرمایید سیدمحمد هندی یا سیدرضا هندی که آن قصائد گوناگون مفصل را گفته، یک شاعر حرفه‌ای نجف است؛ اینها مال زمان قدیم هم نیستند. یا سیدرضی؛ من سالها پیش یک وقتی از یک عرب باذوقی خواستم مقایسه کند بین شعر سیدرضی و شعر یک نفر دیگر - که نمیخواهم اسم بیاورم، یک آدم معروف و شاعر معروف - گفت اصلاً قابل مقایسه نیست. او شعرشناس بود؛ بنده شعر عربی را نمیتوانم مثل یک عرب بشناسم و بفهمم که وزن شعر و به اصطلاح اندازه و قواره‌ی شعر چقدر است؛ این را یک عرب شاعر میتواند بفهمد. میگفت اصلاً قابل مقایسه نیست؛ یعنی شعر سیدرضی در ردیف اول اشعار عرب قرار دارد. خب، یعنی میشود گفت این هم همان حرفه‌ای [است]؛ یعنی خیلی تفتنی هم نبوده؛ واقعاً حرفه‌ای وارد شدند. و زیاد داریم؛ خود سید مرتضی شاعر است، محقق حلی شاعر است، پدر غلامه شاعر است؛ این علمای بزرگ ما همه شاعرند، منتها در مقوله‌ی شعر وارد شدند؛ فرض کنید در مقوله‌ی معماری وارد نشدند یا در مقوله‌ی



موسیقی وارد نشدند و از این قبیل. بنابراین این نشان دهنده ی این است که وقتی این مایه ی طبیعی، یعنی آن ذوق و تخیل در جایی به وجود آمد، این بروز خواهد کرد ولو فضا فضای پروراننده ی این هم نباشد؛ مثل حوزه های علمیه که اصلاً فضای این جور ی ای نبوده است. خب، بنابراین هنر يك امر انسانی است؛ نمیتوانیم ما بنشینیم بحث کنیم که آیا هنر از احکام خمسه کدام حکم را دارد؛ يك طبیعت انسانی است، يك حقیقت انسانی است، يك حقیقت بشری است؛ جلوه های مختلفی دارد مثل بقیه ی کارهایی که افراد بشر میکنند؛ آن جلوه های مختلف را باید رفت سراغش و دنبال احکام خمسه برای آنها باید گشت والا اصل هنر يك پدیده ی انسانی است، يك امر مبارك است، يك امر ضروری است، يك امر حقیقی است.

فقه متکفل همه ی امور زندگی بشر است؛ ادعای فقه این است. فقه متکفل تبیین شرعی و اسلامی همه ی اموری است که مورد ابتلاء انسان است در زندگی فردی و اجتماعی اش. خب، هنر یکی از همین امور است؛ بایست فقه به این پردازد. بله، ما دیر به این فکر افتادیم، دیر شروع کردیم؛ این کارها خیلی قبلها باید انجام میگرفت. و حالا بحمدالله شماها شروع کرده اید و این کار را حتماً متوقف نکنید و دنبال کنید. اما اینکه حالا آیا افراد حوزه وارد مقوله های هنری بشوند یا نه - مثلاً فرض کنید سینما یا تئاتر یا بقیه ی [رشته ها] - این البته يك حرف دیگر است. بدیهی است که يك نفر طلبه ای که وارد حوزه ی علمیه میشود، برای يك مقصودی وارد میشود که آن مقصود معنایش سینماگری نیست، همچنانکه معنایش تجارت نیست؛ همچنانکه معنایش معماری نیست؛ بدیهی است و این لزومی ندارد، اما منعی هم وجود ندارد که حالا يك نفری اگر چنانچه ذوقش اقتضا کرد، برود وارد يك مقوله ای بشود به شرطی که از کار اصلی خودش باقی نماند. بله، يك فقیه برجسته اگر بخواهد در زمینه ی مسائل هنری اظهار نظر بکند، بایستی با مقوله ی هنر آشنایی داشته باشد؛ اگر با این مقوله آشنایی [نداشته باشد] و شناسد هنر را و نداند که هنر چیست و خصوص این مقوله ی هنری چه حد و مرزهایی دارد، چه تعریفی دارد، بعید است که بتواند درست حکم را از آب در بیاورد؛ چون یکی از شرایط استنباط درست حکم، شناخت موضوع است؛ موضوع را باید خوب شناخت. اگر موضوع را نشناسیم، حکم بدرستی به دست نمی آید. بنابراین به نظر من جا برای این کار خیلی زیاد است؛ هم راجع به خود هنر و فلسفه ی فقه هنر - که آقای علی دوست فرمودند و کاملاً درست است؛ یعنی این بحث قابل طرحی است - بعد هم فقه هنر با ورود در مسائل فقهی هنر، حد و مرزهای هنر را مشخص کردن و نظر اسلام را گفتن.

اگر درباره ی اصل هنر بخواهیم نظر اسلام را بدانیم، به نظر میرسد که اسلام هنر را نه فقط قبول کرده بلکه تشویق کرده. قرآن يك اثر هنری است؛ شما ملاحظه می کنید؛ در آیات کریمه ی قرآن جاهای زیادی وجود دارد که تقدّم و تأخّر در جمله بندی وجود دارد به خاطر اینکه سجع آیه حفظ بشود. موارد متعددی در قرآن هست؛ با اینکه قرآن نه تقیّد به سجع به معنای مصطلح دارد، نه تقیّد به قافیه، [چون شعر نیست و تقیّد به این چیزها ندارد - اما در عین حال زیبایی کلام يك جاهایی اقتضا کرده که يك جمله ی معترضه ای وسط بیاورند برای اینکه سجع آخر آیه که با بقیه ی آیات منطبق است برابر در بیاید و آن زیبایی را بدهد. یا وزن و موسیقی کلام؛ در آیات کریمه ی قرآن، موسیقی کلمات يك چیز مغفول عنه واقع شده و به آن توجه نمیشود. بعضی ها دنبال وزن رفته اند که آیات موزون قرآن را پیدا کنند - و پیدا کرده اند، زیاد هم هست آیاتی که خودش يك وزن عروضی است - اما موسیقی کلمات قرآن، آنجایی هم که حتی وزن ندارد، يك چیز عجیب است؛ بسیار گوش نواز است. کسی که با قرآن انس داشته باشد و آشنا باشد، می بیند. خب، قرآن يك اثر هنری است. پیغمبر اکرم از شعرایی که به حق [بودند]، ترویج کردند؛ قرآن از شاعری که «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (3) باشد ترویج کرده؛ عرض



کنم که ائمه^ع ی ما بسیارشان شعر میگفتند.

در مورد خواندن؛ یک روایتی در همین باب روایات غنا - که حالا ایشان (4) اشاره کردند؛ ما هم مفصل بحث کردیم در باب مسئله^ع ی غنا - هست که یک نفر قرآن را با صدای خوشی [میخواند]؛ به پیغمبر گفتند این صدای خوشی دارد، قرآن را خوب میخواند. فرمود بخواند؛ وقتی شروع کرد خواندن، پیغمبر فرمود - آن^ع طور که در ذهنم است - این^ع جوری قرآن را بخوانید؛ یعنی با صدای خوش. خب، این هنر است؛ هنر یعنی همین؛ این هنر موسیقی است و در انواع و اقسام، ترویج شده.

یا مثلاً فرض کنید که در همین عبارت^ع پردازی^ع هایی که علمای ما دارند. شما ببینید اوایل کتابها چه سجع های زیبایی [دارند]؛ در این اجازات مختلفی که علما به هم داده^ع اند - اجازه^ع ی اجازت^ع، اجازة^ع ی روایت - ببینید چه عبارات زیبایی، چه سجع های زیبایی را علما آورده^ع اند؛ اینها همین فقهایند. در عبارات کتابهایشان هم همین^ع جور است؛ حالا آنچه فارسی نوشتند - بخصوص در این اواخر - خیلی برجسته نیست اما مثلاً کتابهای مرحوم مجلسی از لحاظ فارسی هم نثرهای زیبایی است؛ خب، اینها همه^ع اش هنر است. بنابراین اینکه ما بیاییم فکر کنیم که نظر اسلام با هنر آیا مساعد است یا مساعد نیست، به نظر من یک بحث واضحی است؛ این روشن است که اسلام مثل همه^ع ی پدیده^ع های زندگی انسان، نسبت به هنر نظر مساعد دارد.

امروز هم جوامع بشری با هنر آمیخته است؛ در متن زندگی بشر است؛ این^ع جور نیست که هنر یک چیز زائد یا تشریفاتی^ع ای باشد. مثلاً معماری؛ معماری یک هنر است؛ خب، معماری با زندگی انسان آمیخته است. انسان در یک ساختمانی که زندگی میکند، سبک معماری آن ساختمان در روح انسان، در فکر انسان، در مشای انسان، در سبک زندگی انسان اثر میگذارد. اینها همه^ع اش چیزهای واضح و روشنی است. بله، نسبت به شعب گوناگون - در مورد غنا، در مورد مجسمه^ع سازی - باید حدومرز مشخص کرد. بعضی از این فتاوی معروف هم که در بین فقها معروف است، وقتی انسان عمق^ع یابی میکند - مثل همان قضیه^ع ی منزوحات بئر (5) که تا یک زمانی یک^ع جوری میگفتند، بعد بکلی عوض شد - واقعاً همان^ع جور است؛ یعنی روی احتیاط [بوده^ع]. همین مسئله^ع ی مجسمه^ع سازی یا همین مسئله^ع ی غنا از این^ع قبیل است. این حرف بسیار درستی است که آقای علی^ع دوست بیان کردند. خب، مهم^ع ترین روایات هم ذیل همین آیه^ع ی شریفه است: لَهْوُ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ: خب فقط «لهو» نیست، «بُضِيلٌ» هم هست. روایت دارد در چهارچوب آیه حرف میزند با ما؛ آیه میگوید: وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوُ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ (6) پس شرط حرمت اینها است. روایت هم که تفسیر میکند، همین آیه را تفسیر میکند؛ چیز دیگری را که تفسیر نمیکند؛ همین را بیان میکند. بنابراین خیلی حرفهای تازه و نو میشود در زمینه^ع های گوناگون رشته^ع های هنری و شعبه^ع های هنری بیان کرد. مثلاً فرض کنید در باب نمایش؛ این قضیه^ع ی تلبس مرد به لباس زن، تلبس زن به لباس مرد که یکی از این شبهه^ع های است که در ذهنها هست، واقعاً انسان [وقتی^ع] در بحث فقهی وارد میشود و عمق^ع یابی میکند، اصلاً معنای آنچه وجود دارد این نیست که این^ع جوری معنا بشود که نتیجه^ع اش این باشد که [اگر] مثلاً زنی لباس مرد، یا مردی لباس زن بپوشد، در نمایش اشکالی داشته باشد. بنابراین به نظر من خیلی کار در این زمینه میشود کرد؛ کار هم کار فضلا است.

البته نکته^ع ی مهمی که بیان فرمودند آقایان، همین مسئله^ع ی انضباط فقهی است. یعنی ما تحت^ع تأثیر جو قرار نگیریم که حالا چون یک جوی فرض کنید در یک بخشی از جامعه وجود دارد که فشار روی ما بیاورد که «آقا شما



چرا فلان چیز را حرام میدانید، چرا فلان چیز را ممنوع میکنید»، ما تحت تأثیر آن جو بیابیم فکر کنیم؛ نه، این غلط است؛ واقعاً این رفتار کاملاً غیر صالحانه است؛ نخیر، کاملاً انضباط فقهی رعایت بشود و همان جور که ما بقیه احکام فقهی را از کتاب و سنت استفاده میکنیم، به کتاب و سنت مراجعه بکنیم و همان جور عمل بکنیم. امارات (7) را در جای خود، اصول را در جای خود، همه ی اینهایی که در اختیار فقهای شیعه قرار گرفته از این ذخایر عظیم فکری و این به اصطلاح روش استنباط و این اسلوب استنباط که جا افتاده است و تقویت شده است و پخته شده است، از همه ی جوانبش باید استفاده کنیم و در زمینه ی هنر ان شاء الله به یک نتایجی برسیم. منتظر میمانیم که ان شاء الله از نتایج این اجتماع شما، گردهمایی شما استفاده کنیم. و بعد هم اگر زنده ماندیم، ادامه ی کار شما را - که ان شاء الله کار تازه های را شروع کرده اید - شاهد باشیم. مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ (8) این کار را شما در حوزه راه انداختید؛ ان شاء الله بعد از این، آن کسانی که در این زمینه کار کنند و کار مورد ثبوت (9) الهی باشد، قطعاً اجرش به شما هم خواهد رسید. برایتان آرزوی توفیق میکنم.

والسلام علیکم ورحمة الله

(1) این همایش به همت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه های علمی قم، در تاریخ 1394/10/23 گشایش مدیابد. در ابتدای این دیدار، حجج اسلام والمسلمین احمد واعظی (رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه های علمی قم)، ابوالقاسم علی دوست (دبیر علمی - محتوایی همایش) و سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) گزارشی ارائه کردند.

(2) دبیر علمی - محتوایی همایش

(3) از جمله، سوره ی شعرا، بخشی از آیه ی 227؛ «مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده ...»

(4) دبیر علمی - محتوایی همایش

(5) «بئر» به معنای چاه آب و «منزوحات» تعداد سطهای آب است که به هنگام آلوده شدن آب چاه به نجاستی (مثلاً مردار حیوانی) از چاه کشیده میشود تا چاه پاک گردد.

(6) سوره ی لقمان، بخشی از آیه ی 6؛ «.. سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند...»

(7) «آماره» دلیلی است که برای غالب انسانها و به صورت طبیعی، ظن آور است و شارع مقدس فقط به جهت همین خصوصیت آن را معتبر کرده است.

(8) اصول کافی، ج 9، ص 372

(9) پاداش